

پدیده های طبیعی یک حقیقت را ثابت می کنند و آن قدرت خداست. اینک برخی از این پدیده ها را توصیف می کنیم:

انگور برزیلی درختی است که با بقیه ی درختان جهان فرق دارد، در برزیل می روید و میوه هایش روی تنه ی آن رشد می کنند و از مهم ترین ویژگی های این درخت، این است که (آن) در طول سال میوه هایی می دهد.

درخت سیکویا درختی است از بلندترین درختان جهان در کالیفورنیا که گاهی بلندی برخی از آن ها به بیش از صد متر می رسد و گاهی قطر آن به نه متر می رسد و عمر آن تقریباً بیش از سه هزار و پانصد سال می شود.

درخت خفه کننده درختی است که در بعضی از جنگل های استوایی می روید. زندگی را با درهم پیچیدن به دور تنه ی یک درخت و شاخه های آن آغاز می کند، سپس آن را کم کم خفه می کند. گونه ای از آن در جزیره ی قشم که در استان هرمزگان واقع است وجود دارد.

درخت نان درختی استوایی است که در جزیره های اقیانوس آرام رشد می کند. میوه هایی مانند نان در انتهای شاخه هایش حمل می کند (در بردارد). مردم مغز این میوه ها را می خورند.

درخت نفت، درختی است که کشاورزان آن را مانند پزچینی دور کشتزارها برای نگهداری (محافظت) محصولاتشان از (در برابر) حیوانات به کار می گیرند؛ زیرا بوی این درخت، ناپسند است و حیوانات از آن می گریزند و دانه هایش حاوی مقداری روغن است که سوختنش سبب خروج هیچ گاز آلوده کننده ای نمی شود. و تولید نفت از آن امکان دارد و گونه ای از آن به نام درخت مداد در شهر نیک شهر در استان سیستان و بلوچستان وجود دارد.

درخت بلوط از درختان کهنسال است و گاهی عمر (آن) به دو هزار سال می رسد. جنگل های زیبایی از آن در دو استان (استان های) ایلام و لرستان یافت می شود. سنجاب برخی از دانه های سالم بلوط را زیر خاک دفن می کند و گاهی جایش را فراموش می کند و در سال آینده، آن دانه ی بلوط رشد می کند و درختی می شود.

امام صادق (ع) فرمودند: کشاورزی کنید و نهال بکارید، .. به خدا سوگند، مردم کاری را حلال تر و پاک تر (خوب تر) از آن انجام ندادند.

صفحه ی ۳۷۰ : نکات و آژده نامه

-أَحَلَّ: حلال تر، حلال ترین، اسم تفضیل بروزن أَفْعَلَ، حروف اصلی: ح ل ل

-إِشْتَعَلَ: برافروخته شدن، سوختن، شعله ور شدن، مصدریاب اِشْتَعَلَ است. حروف اصلی: ش ع ل / اِشْتَعَلَ يَشْتَعِلُ اِشْتَعَلُ اِشْتَعَالٌ

-أَطْيَبَ: خوب تر، خوب ترین، پاک تر، پاک ترین = أَحْسَنَ، أَفْضَلَ، خَيْرَ، مُتَضَادِّ اَسْوَأَ

-الْتِفَافَ: درهم پیچیدن، مصدریاب اِفْتَعَلَ است. حروف اصلی: ل ف ف / اِلتَفَفَ يَلْتَفِفُ اِلتِفَافُ *توجه: با اِلتِفَافَ (برگشتن) اشتباه نشود.

-جَذَع: تنه، جمع: جُدُوع *توجه: با جُزء و جمع آن که أجزاء است، اشتباه نشود.

-جَوْزَة: دانه ی گردو، بلوط و مانند آن، جمع سالم دارد: جَوَزَات

-حَنَّقَ: خفه کرد، ثلاثی مجرد است. حَنَّقَ يَحْنِقُ اسم فاعل: خانیق (خفه کننده) اسم مفعول: مَخْنُوق (خفه شده، در واقع به کسی اطلاق می گردد که مثلاً به دار آویخته شده باشد).

-سَبَّبَ: سبب شد، باعث شد، حروف اصلی: س ب ب ، ماضی باب تفعیل، سَبَّبَ يُسَبِّبُ سَبَبٌ تَسْبِيبٌ

-مَحَاصِلُ: محصولات، جمع مَحْصُول

-المحيط: اقیانوس، الهادی: آرام (هر دو اسم فاعل)

*توجه: هادی با هادی فرق دارد. هادی از ه د ع و هادی از ه د ی است. هَدَأُ: آرام کرد، هَدَى: هدایت کرد.

-مُزَارِعَ: کشاورز = زَارِع، فَلَاح *توجه: یا مَزَارِعَ (کشتزارها) اشتباه نشود.

-مُعَمَّر: کهنسال، مُسِنَّ، اسم مفعول از باب تفعیل و باحروف اصلی ع م ر است.

-مُلَوِّث: آلوده کننده، اسم فاعل از باب تفعیل و باحروف اصلی ل و ث است.

-مُواصَفَات: ویژگی ها، مفرد: مُواصِفَة (مصدر باب مفاعلة)

-نَبَّتْ: روید = نما، حروف اصلی: ن ب ت، ثلاثی مجرد است. نَبَّتْ يَنْبُتُ

-نَصِيفٌ: توصیف می کنیم، وصف می کنیم، تعریف می کنیم، حروف اصلی: و ص ف، فعل مضارع ثلاثی مجرد با صیغه ی اول شخص

جمع مذکر یا مؤنث است (متکلم مع الغير). وَصَفَ يَصِفُ (بنا به دلالتی حرف "و" در مضارع حذف می شود).

- نَوَى: هسته = لُب

ص. ۳۷۰: درك مطلب:

-در جای خالی کلمه ی مناسبی مطابق متن درس بنویس:

- | | |
|----------------|------------|
| ۱. بالالتفاف | ۴. منة |
| ۲. غازات | ۵. أغصانها |
| ۳. مُحافَظَتِي | ۶. جذع |

ص. ۴۱: التمرين الأول:

-کدام کلمه از کلمه های واژه نامه ی درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟

۱. دریایی تقریباً معادل یک سوم زمین : المحيط الهادئ
۲. جمع شدن و دورچیزی گشتن : التفاف
۳. کسی که خدا به او عمری طولانی می دهد : المُعَمَّر
۴. کسی که در کشتزار کار می کند : المزارع
۵. ویژگی های کسی یا چیزی : مُواصَفَات

صفحه ی ۳۳۳: نکات متن

-حَبّ: دانه، جمع: حُبُوب

-النَّوى: معطوف به الحَبّ

-يُخْرِج: فعل، الحَيّ: مفعول، من الميّت: جارومجرور، مخرج: معطوف به فالحق، الميّت: مضاق إليه، من الحَيّ: جارومجرور

فالحق و مخرج: اسم فاعل

ص. ۳۴

-سطر ۱: عَجائب: جمع عَجيب

-سطر ۱: جمله ی ظواهر الطبيعة .. اسمیه، ظواهر: مبتدا، تثبت: خبر (از نوع فعل)، هي: مبتدا، قدرة: خبر (از نوع اسم)، الآن: قيد زمان،

- سطر ۲: العنب: مبتدا، البرازیلی: صفت، شجرة: خبر (از نوع اسم)، تختلف: فعل (نکته ی دیگر تختلف: جمله ی وصفیه برای شجرة (مربوط به درس ۴))، عن باقی: جار و مجرور، أشجار: مضاف إليه، العالم: مضاف إليه.

- سطر ۸: يبلغ: فعل، ارتفاع: فاعل، بعض: مضاف إليه، ها: مضاف إليه، أكثر: مفعول،

- سطر ۹: يبلغ: فعل، قطر: فاعل، ها: مضاف إليه، تسعة: مفعول

ص ۳۵

- سطر ۲: الاستوائية: صفت غابات، تبدأ: فعل، حياة: مفعول، ها: مضاف إليه، بالالتفاف: جار و مجرور، حول: قید مکان، جذع: مضاف

إليه، شجرة: مضاف إليه، و: حرف عطف، غصون: معطوف به جذع، ها: مضاف إليه

- سطر ۴: يوجد: فعل مجهول، نوع: نائب فاعل

- سطر ۷: الهادي: صفت محیط (اسم فاعل)، تحمل: فعل، أثماراً: مفعول

ص ۳۶

- سطر ۱: يستخدم: فعل، ها: مفعول، المزارعون: فاعل (اسم فاعل هم است).

- سطر ۳: لايسبب: فعل، اشتعال: فاعل، خروج: مفعول، أي: مضاف إليه، غازات: مضاف إليه، ملوثة: صفت غازات (اسم فاعل)

- سطر ۶: محافظتي: مجرور به حرف جر، إيلام: مضاف إليه، و: حرف عطف، لرستان: معطوف به إيلام

*نکته: مُحافِظَتِي، مُحافِظَتَيْنِ بوده که چون مضاف واقع شده نوشتن افتاده. اگر مثنی یا جمع سالم مذکر، مضاف واقع شوند نوشتن حذف می شود. مانند: جاء معلّمًا المدرسة (بوده: معلّمان- مثنی). جاء معلّموا المدرسة (بوده: معلّمون- جمع سالم مذکر). رأيتُ معلّمي المدرسة (بوده: معلّمين- مثنی). رأيتُ معلّمي المدرسة (بوده: معلّمين- جمع سالم مذکر).

- سطر ۶: يدفن: فعل، السنجاب: فاعل، بعض: مفعول، جوزات: مضاف إليه، البلوط: مضاف إليه، السليمة: صفت برای جوزات، تحت: قید مکان، التراب: مضاف إليه

- سطر ۹: إزرعوا: فعل امر و فاعل آن ضمير واو، اغرسوا: فعل امر و فاعل آن ضمير واو، والله: جار و مجرور (قسم)، ماعمل: فعل، الناس: فاعل، عملاً: مفعول، أحلّ: صفت برای عملاً، و: حرف عطف، أطيب: معطوف به أحلّ، منه: جار و مجرور / أحلّ و أطيب: هردو اسم تفضیلند.

والسلام

حقيقي